

بنام آنکه بیم از اوست و امید از او نخستین گفتار کردگار اینست با سینه پاک از خواهش و آرایش و دل پاکیزه از رنگهای آفرینش پیش دانا و بینا و توانا بیایید و آنچه سزاوار روز اوست بیارید. امروز روز دیدار است چه که یزدان بی پرده پدیدار و آشکار بجان پاک بشتابید شاید برسید و بآنچه سزاوار است پی برید. از آب پرهیز کاری خود را از آز و کردارهای ناشایسته پاک نمائید تا راز روز بی نیاز را بیابید. روشنی نخستین در روز پسین پدیدار بسه چیز دیدار دست دهد و رستگاری پدیدار شود پاکی دل و دیده و پاکی گوش از آنچه شنیده. بگو ای دوستان راه نما آمد گفتارش از گفتارها پدیدار و راهش میان راهها نمودار راه راه اوست بیابید و گفتار گفتار اوست بشنوید. امروز ابر بخشش یزدان میبارد و خورشید دانائی روشنی میبخشد و بخود راه مینماید، جوانمرد آنکه راههای گمان را گذاشت و راه خدا گرفت. ای دوستان دست توانای یزدان پرده های گمان را درید تا چشم ببیند و گوش از شنیدن باز نماند. امروز روز شنیدن است بشنوید گفتار دوست یکتا را و بآنچه سزاوار است رفتار نمائید. از گفتار پاریسی بگفتار تازی آغاز نمودیم. یا ایها المقبل، اسمع النداء انه ارتفع فی سجن عکاء و یدع العباد الی الله مالک الایجاد. تفکر فیما ظهر لتری ما لا رأی عین الابداع ان ربک هو العزیز الفضال. ایاک ان یمنعک ما فی العالم عن مالک القدم دع الظنون و مظاهرها والاهوام و مشارقها مقبلاً الی الله مالک المبدأ و المآب. هذا یوم البصر لأن المنظر الأكبر تشرف بانوار ظهور مالک القدر الذی أتى من سماء البیان بالحجة و البرهان و هذا یوم السمع قد

ارتفع فيه صرير القلم الاعلى بين الأرض و السماء . اسمع و قل لك الحمد يا مقصود العالم و لك الثناء يا مالك الرقاب .

(يا ايها السائل) امروز نور ناطق و نار متكلم و خورشيد حقيقى مشرق . جهد نما شايد فائز شوى بآنچه سزاوار يوم الله است . اگر در آنچه ظاهر شده تفكر نمائى خود را غنى و مستغنى از سؤال مشاهده كنى . حق مقدس است از ظنون و اوهام و مشييت و اراده انام با علم يفعل ما يشاء و راية يحكم ما يريد آمده حجة و برهان فوق مقامات اهل امكان ظاهر فرموده آياتش در كتب و زبر و الواح موجود و مشهود و بيناتش در سور ملوك و رئيس ظاهر و هويدا . ليس لأحد أن يجرب الربّ انه يمتحن العباد كيف يشاء . اگر فى الحقيقه ببصر انصاف در آنچه ذكر نموديم مشاهده نمائى و بسمع عدل اصغا كنى بكلمه مباركه، رجعت اليك يا مولى العالم منقطعاً عن الامم، ناطق شوى . بشنو ندای مظلوم را قدم از مقامات و ظنون و اوهام اهل امكان بردار و بر لا مكان گذار لتسمع تغرّدات طيور العرش و تغنّيات عنادل العرفان على اعلى الاغصان . نسأل الله أن يؤيّدك و يوفّقك على ما يحبّ و يرضى انه مولى الورى و ربّ العرش و الثرى لا اله الا هو الفرد الواحد العليم الحكيم . اذا اخذك جذب البيان من الافق الاعلى قل الهى الهى أشهد بوحدانيتك و فردانيتك و بعزّك و عظمتك و سلطانتك أنا عبدك و ابن عبدك قد اقبلت اليك منقطعاً عن دونك و راجياً بدائع فضلك أسألك بأمطار سحب سماء كرمك و باسرار كتابك أن تؤيّدنى على ما تحبّ و ترضى . أى ربّ هذا عبد أعرض عن الاوهام مقبلاً الى

أفق الايقان و قام لدى باب فضلك و فوّض الامور اليك و توكل عليك فافعل به ما
ينبغي لسماء جودك و بحر كرمك . إنّك أنت المقتدر العليم الحكيم . أشهد يا الهى
بأنّك اعلم بى منى قدر لى ما يقربنى اليك و ينفعنى فى الآخرة و الاولى . إنّك أنت
مولى الورى و فى قبضتك زمام الفضل و العطاء . لا اله الا أنت الفضال الكريم .
البهاء على اهل البهاء الذين ما منعتهم ضوضاء الامم عن مالك القدم قاموا و قالوا
الله ربنا و ربّ العرش العظيم.